

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۱۳

هزار و سیصد و نود و هشت - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۵ • اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین
دکتر سید قاسم زمانی - دکتر اسماعیل یعقوبی
- ۳۳ • قلمرو میانجیگری کیفری در انواع جرایم در حقوق موضوعه ایران
دکتر حسین غلامی دون - دکتر بدر سودانی سادری
- ۶۱ • تخفیف مجازات در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲
احمدرضا کوچکی - دکتر شهرام ابراهیمی
- ۸۱ • بررسی جرم‌شناختی عوامل بین‌المللی مؤثر بر ارتکاب جنایات علیه بشریت
دکتر سمیرا گل‌خندان
- ۱۰۹ • پیامدهای سیاست کیفری عوام‌گرا در جرایم جنسی علیه اطفال و نوجوانان
دکتر پریمه طاهری شاد - دکتر هوشنگ شامبیاتی
- ۱۴۷ • درآمدی بر «حقوق بیمه جنایی» در راستای «سیاست جنایی بیمه‌مدار»
دکتر مهرداد رایجیان اصلی - نعیم سهامی
- ۱۸۱ • تقابل یا تعامل قوانین کیفری دولت خارجی با حقوق بزه‌دیده؛ در پرتو اصل شناسایی متقابل در حقوق کیفری اتحادیه اروپا
دکتر جواد صالحی
- ۲۰۱ • اصل شناسایی متقابل آراء و تصمیمات قضایی در حقوق کیفری اتحادیه اروپا با نگاهی به اجرای آرای کیفری و قرار جلب اروپایی
دکتر بهزاد رضوی فرد - محمد فرجی





اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری: همکاری و حمایت نهادین

دکتر سید قاسم زمانی* - دکتر اسماعیل یعقوبی**

چکیده

تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری بزرگ‌ترین دستاورد حرکت جامعه بین‌الملل به‌سوی استقرار عدالت کیفری تلقی می‌شود. بی‌تردید تحقق این مأموریت نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون همکاری با سایر نهادهای بین‌المللی صورت پذیرد. مطالعه حاضر به بررسی همکاری دیوان با اتحادیه اروپا پرداخته است. بدین‌منظور، مبنای رابطه میان دو نهاد و تعهد اتحادیه به همکاری با دیوان و سپس اقدامات اتحادیه به‌منظور حمایت از این نهاد مورد بررسی قرار گرفت. اتحادیه اروپا از بدو تأسیس دیوان، سیاست حمایت از توسعه و ارتقای عملکرد دیوان را وجه همت خود قرار داده است. اتحادیه فرایندی را در چهارچوب اسناد مصوب خود ایجاد کرده است تا دو محور حمایتی خود یعنی بسط صلاحیت سرزمینی و ارتقای عملکرد دیوان را سامان دهد. مهم‌ترین سند اتحادیه، سند موضع مشترک در رابطه با دیوان می‌باشد که توسط شورای اروپایی تصویب شد. سایر اسناد اتحادیه در این راستا، از جمله برنامه اقدام و موافقتنامه معاضدت و همکاری، در پرتو این سند به تصویب رسید که مجموعاً چهارچوبی متقن در همکاری و حمایت ارکان و اعضای اتحادیه از دیوان بین‌المللی کیفری ایجاد می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

دیوان بین‌المللی کیفری، اتحادیه اروپا، سند موضع مشترک، موافقتنامه معاضدت و همکاری، اساسنامه رم.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۳، نیمسال اول ۱۳۹۸
صفحه ۵-۳۱، تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۸

* استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

Email: zamani@atu.ac.ir

ایران، نویسنده مسئول

** دانش‌آموخته دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی،

Email: esyaghoub@gmail.com

تهران، ایران

مقدمه

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^۱ در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ پس از سال‌ها بررسی^۲، نهایتاً در کنفرانس رم به تصویب رسید. کنفرانسی که در طی شش هفته برگزاری آن بیشترین شمار شرکت‌کنندگانی که تا به آن روز در یک کنفرانس بین‌المللی شرکت کرده بودند را به خود مشاهده کرد. شرکت‌کنندگان کنفرانس رم متشکل از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی بودند که به دعوت مجمع عمومی سازمان ملل برای بحث و تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به این کنفرانس دعوت شده بودند.^۳ سند مصوب این کنفرانس در اول جولای ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد تا دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان نخستین دادگاه قضایی بین‌المللی با صلاحیت رسیدگی به جرایم بین‌المللی کار خود را آغاز کند. تاکنون بیش از ۱۲۴ کشور به عضویت این دیوان درآمده‌اند. این دادگاه تاکنون به جرایم حادث‌شده در کشورهای

1. International Criminal Court (ICC).

۲. اندیشه اولیه ایجاد دادگاهی بین‌المللی به‌منظور محاکمه رهبران سیاسی کشورهایی که مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند به کنفرانس صلح پاریس (۱۹۱۹) بازمی‌گردد. موضوع در سال ۱۹۳۷ با حمایت جامعه ملل دوباره مطرح گردید که منتهی به تصویب اولین کنوانسیون شد که ایجاد یک دادگاه دائمی بین‌المللی به‌منظور رسیدگی به اقدامات تروریستی بین‌المللی در آن تصریح شده بود. از آنجا که هیچ‌یک از ۱۳ کشور امضاءکننده این کنوانسیون، آن را تصویب نکردند، هیچ‌گاه لازم‌الاجرا نشد. پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای فاتح، دو دادگاه به‌منظور رسیدگی به جنایات جنگی رهبران سیاسی آلمان نازی و ژاپن ایجاد کردند که به دادگاه کیفری نورنبرگ و توکیو شهرت یافت. در سال ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، نیاز به ایجاد دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی به آن دسته از جرایمی که دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو به آن پرداخته بودند را مورد تأکید قرار داد. پس از آن، کمیسیون حقوق بین‌الملل در اوایل دهه ۵۰ دو پیش‌نویس درمورد اساسنامه دیوان کیفری پیشنهاد داد که در طول جنگ سرد مطرود واقع شد و طرح ناکام ماند. در ژوئن ۱۹۸۹، نخست‌وزیر ترینیداد و توباگو پیشنهاد ایجاد دیوان دائمی بین‌المللی کیفری را با صلاحیت رسیدگی به تجارت مواد مخدر ارائه داد. در پی این اشاره، مجمع عمومی دوباره کمیسیون حقوق بین‌الملل را مأمور تدوین اساسنامه دیوان کیفری نمود. هم‌زمان با آغاز کار کمیسیون روی پیش‌نویس دیوان، در اوایل دهه ۹۰ شورای امنیت سازمان ملل مبادرت به تشکیل دو دادگاه بین‌المللی کیفری به نام‌های دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۹۹۳) و دیوان بین‌المللی کیفری برای رواندا (۱۹۹۴) نمود. تشکیل این دو دادگاه کیفری نیاز به ایجاد دادگاهی دائمی برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی را بیش‌ازپیش پررنگ نمود. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل پیش‌نویس نهایی خود در رابطه با اساسنامه دیوان کیفری را ارائه داد. مجمع عمومی با تشکیل دو کمیته ویژه برای نهایی‌سازی طرح کمیسیون، نهایتاً پیش‌نویس را در کنفرانس رم به رأی کشورهای شرکت‌کننده در کنفرانس گذاشت که طرح مزبور با ۱۲۰ رأی موافق و ۷ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع در ۱۷ جولای ۱۹۹۸ مورد تصویب قرار گرفت.

3. Antonis Antoniadis and Olympia Bekou, "The European Union and the International Criminal Court: An Awkward Symbiosis in Interesting Times," *International Criminal Law Review* 7 (2007): 623.

ساحل عاج، آفریقای مرکزی، کنگو و مالی رسیدگی کرده است. همچنین دیوان درحال بررسی مقدماتی وضعیت کشورهای افغانستان، بوروندی، کلمبیا، گابن، گینه، عراق، نیجریه، فلسطین، کومور و اوکراین می‌باشد. به‌علاوه دیوان وضعیت کشورهای کنگو، آفریقای مرکزی، دارفور، سودان، کنیا، مالی، لیبی، گرجستان، ساحل عاج و اوگاندا را در دستور تحقیقات اولیه خود قرار داده است.^۴

به‌موجب اساسنامه رم، تنها دولت‌ها می‌توانند به عضویت دیوان درآیند. با این حال، این سند نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌الدولی^۵ در مأموریت خویش را فراموش نکرده است و باوجود عدم امکان الحاق آنها به اساسنامه، دیوان فرصت همکاری و سود جستن از حمایت آنها در تحقق اهداف خود را به‌خوبی مورد توجه قرار داده است. به‌موجب بند ۶ ماده ۸۷، دیوان می‌تواند از سازمان‌های بین‌الدولی به‌منظور تأمین اطلاعات و اسناد و هرگونه همکاری و حمایت دیگر استفاده نماید و کمک بگیرد. یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های منطقه‌ای که می‌تواند نقش مهمی در کمک به دیوان داشته باشد، اتحادیه اروپایی است که در منطقه اروپا دارای اختیارات گسترده بوده و درواقع یک نظام حقوقی مستقل و خودبسنده را ایجاد نموده است؛ بنابراین، نوشته حاضر در پی بررسی رابطه اتحادیه اروپا و دیوان بین‌المللی کیفری در چهارچوب همکاری میان این دو نهاد می‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، تلاش می‌شود با بررسی اقداماتی که از سوی اتحادیه اروپا در جهت همکاری و حمایت از دیوان اتخاذ شده است، رابطه‌ای که در سطح نهادین میان این دو سازمان ایجاد شده است، مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

امکان عضویت اتحادیه اروپا در دیوان وجود ندارد اما این امر مانع از حمایت اتحادیه از دیوان و همکاری این دو نهاد با یکدیگر نشده است. لیکن بند ۶ ماده ۸۷ اساسنامه، زمینه‌ای مناسب جهت همکاری دیوان با سازمان‌های بین‌المللی را فراهم کرده است. به‌عبارت‌دیگر، رابطه میان دیوان و اتحادیه اروپا اساساً با تکیه بر ماده ۸۷ اساسنامه رم شکل می‌گیرد. در چهارچوب چنین رابطه‌ای، اتحادیه اروپا نه‌تنها در قالب اتخاذ سیاست‌های کلی، بلکه در قالب کمک‌های مالی به حمایت از دیوان پرداخته است. در حوزه سیاست‌گذاری‌های کلان، می‌توان به تصویب اسناد مهمی چون سند موضع مشترک اتحادیه اروپایی در رابطه با دیوان

4. "Situations under Investigation" International Criminal Court, Accessed September 2, 2016, <https://www.icc-cpi.int/pages/situations.aspx>.

5. Intergovernmental Organizations.

بین‌المللی کیفری^۶ و برنامه اقدام این سند^۷ اشاره کرد. در راستای حمایت مالی از دیوان، تاکنون اتحادیه از طریق برنامه اتحادیه اروپا درخصوص دموکراسی و حقوق بشر^۸، حدود ۲۰ میلیون یورو به پروژه‌ها و برنامه‌های حامی دیوان بین‌المللی کیفری و به‌طورکلی عدالت کیفری بین‌المللی کمک کرده است.^۹

به‌طورکلی حمایت اتحادیه اروپا از دیوان و همکاری با آن از یک‌سو در راستای اهدافی است که در معاهده مؤسس اتحادیه اروپا پیش‌بینی شده است، نظیر حاکمیت قانون و حمایت از حقوق بشر و از سوی دیگر این حمایت و همکاری در راستای تلاش اتحادیه در ایجاد نظم بین‌المللی مؤثر و کارآمد شکل گرفته است، امری که به‌خوبی در مقدمه موافقتنامه همکاری اتحادیه و دیوان بین‌المللی کیفری^{۱۰} به‌عنوان نخستین سند همکاری دیوان با یک سازمان بین‌المللی منطقه‌ای مورد تأیید طرفین قرار گرفته است.

این نوشته قصد دارد با بررسی اسناد مصوب اتحادیه که به انتحائی همکاری سازمان و دولت‌های عضو با دیوان بین‌المللی کیفری را رقم می‌زند به تبیین مبنای حقوقی ایجاد این همکاری در کنار چگونگی و شیوه‌های شکل‌گیری این تعامل و همچنین نقش آن در توسعه و آتقان دیوان در مسیر دستیابی به اهداف خود بپردازد. بدین‌منظور، پرسش اصلی نوشته حاضر این است که اساساً چه رابطه‌ای میان دیوان بین‌المللی کیفری و اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان در پرتو بررسی دقیق رابطه دو نهاد و اقداماتی که در راستای همکاری آنها با یکدیگر اتخاذ شده است، ارائه کرد. از این‌رو، این نوشته به دو سؤال فرعی می‌پردازد: نخست اینکه مبنای تعهد اتحادیه اروپا به همکاری و حمایت از دیوان چیست؟ دیگر آنکه اتحادیه اروپا چه اقداماتی را جهت همکاری و حمایت از دیوان اتخاذ کرده است.

به‌منظور پاسخ به سؤالات فوق، این نوشته ذیل شش عنوان تنظیم شده است که عبارت است از تعهد اتحادیه اروپا نسبت به دیوان بین‌المللی کیفری، حمایت اتحادیه اروپا از دیوان بین‌المللی کیفری، سند موضع مشترک اتحادیه اروپا درباره دیوان بین‌المللی کیفری، برنامه

6. Council Common Position on the International Criminal Court, adopted by the Council of the European Union at 16 June 2003, 2003/444/CFSP.
7. Action Plan to Follow-Up Common Position on the International Criminal Court Adopted by the European Parliament in July 2003.
8. European Initiative for Democracy and Human Rights (EIDHR).
9. Antoniadis, op.cit. 624.
10. Agreement between the International Criminal Court and the European Union on Cooperation and Assistance, 10 April 2006, ICC-PRES/01-01-06.

اقدام سند موضع مشترک، موافقتنامه‌های همکاری با دولت‌های ثالث و شرط دیوان بین‌المللی کیفری، موافقتنامه همکاری و معاضدت دیوان و اتحادیه اروپا و همکاری پلیسی و قضایی در رابطه با امور کیفری.

۱- تعهد اتحادیه اروپا نسبت به دیوان بین‌المللی کیفری

لازم به ذکر است که با توجه به عدم عضویت اتحادیه در اساسنامه رم، علی‌القاعده اتحادیه هیچ تعهدی نسبت به اجرای مفاد مندرج در اساسنامه برعهده ندارد. باین‌حال شاید بتوان با استناد به تئوری جانشینی اشتغالی^{۱۱} ادعا نمود که اتحادیه جانشین دولت‌های عضو در برابر دیوان می‌باشد. در رابطه با تئوری جانشینی اشتغالی، دیوان دادگستری اروپایی در رویه خود چنین اظهار داشته است که: «در خصوص معاهداتی که اتحادیه عضو آنها نیست، اتحادیه تا آنجاکه جانشین صلاحیت‌های دولت‌های عضو در خصوص مکانیزم ایجادشده توسط معاهده ذی‌ربط می‌گردد، جانشین مسئولیت دولت‌های عضو نیز خواهد بود، به عبارت دیگر مسئولیت‌ها در آن حوزه به اتحادیه انتقال پیدا می‌کند.»^{۱۲} نکته قابل توجه در رابطه با این تئوری آن است که جانشینی اشتغالی زمانی محقق می‌گردد که تمامی دولت‌های عضو اتحادیه طرف معاهده ذی‌ربط باشند. این شرط در رابطه با اتحادیه اروپا محقق است. لذا با تکیه بر رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، شاید بتوان گفت که جانشینی اشتغالی نسبت به دیوان بین‌المللی کیفری محقق شده است. لیکن در این رابطه چند نکته لازم به ذکر است. اولاً، این موضوع هیچ‌گاه تاکنون در رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری مطرح نشده است و مسئله صرفاً در حد فرضیه باقی است. هیچ نهاد یا دادگاهی به‌ویژه دیوان دادگستری اروپایی در این رابطه سخنی نگفته است؛ ثانیاً، اساسنامه دیوان کیفری تنها عضویت دولت‌ها را پیش‌بینی کرده است، بنابراین حتی به فرض تحقق جانشینی اشتغالی، نمی‌توان فایده چندان بر این امر مترتب شد؛ ثالثاً، حوزه اشتغال دیوان با حوزه اشتغال موافقتنامه گات که این تئوری در رابطه با آن مطرح و پذیرفته شده است، کاملاً متفاوت است و از ملاحظات و حساسیت‌های خاص خویش برخوردار می‌باشد؛ رابعاً، صلاحیت‌ها و تعهداتی که دولت‌های عضو اتحادیه بر اساس اساسنامه برعهده گرفته‌اند ضرورتاً به اتحادیه واگذار نمی‌شود تا بتوان از جانشینی سخن گفت. کما اینکه این دولت‌ها تاکنون نشانه‌ای از عدم پایبندی یا رعایت مفاد اساسنامه نشان

11. Functional Succession Theory.

12. Case 21-24/72 International Fruit Company NV v. Produktschaap voor Groenten en Fruit [1972], ECR 1219, paras. 14-19.

نداده‌اند تا با جانشینی اتحادیه این دغدغه برطرف گردد.

۲- حمایت اتحادیه اروپا از دیوان بین‌المللی کیفری

از بدو تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، اتحادیه اروپا همواره در زمره حامیان آن بوده است. در نخستین گزارش سالیانه اتحادیه اروپا در رابطه با حقوق بشر^{۱۳} که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، بخشی به‌عنوان «تعهدات اتحادیه برای مبارزه با بی‌کیفری و حمایت از دیوان بین‌المللی کیفری»^{۱۴} در آن گنجانده شد که تا امروز این امر به‌صورت مستمر و پیوسته ادامه داشته است.^{۱۵} البته برخی بر این عقیده‌اند که با توجه به مکانیزم ساختاری اتحادیه و وابستگی آن به سیستم عدالت کیفری دولت‌های عضو، حمایت آن از دیوان بین‌المللی کیفری نتایج چندانی در پی نخواهد داشت و به‌نوعی ائتلاف سرمایه سیاسی خواهد بود.^{۱۶} اما در عمل این چنین نبوده و اتحادیه اروپا بدون توجه به چنین تردیدهایی، از همان ابتدای تأسیس دیوان به حمایت از آن پرداخته و از طرق مختلف، چه در قالب روابط خارجی خویش و چه در قالب ارتباط مستقیم با دیوان، این حمایت را به مرحله اجرا گذاشته است.^{۱۷}

با توجه به عدم امکان عضویت سازمان‌ها در اساسنامه رم، باید گفت اجرای مفاد اساسنامه رم در حوزه اتحادیه اروپا اساساً برعهده دولت‌های عضو اتحادیه به‌عنوان اعضای اساسنامه می‌باشد؛ اما این امر به‌هیچ‌وجه مانع ایجاد رابطه همکاری قوی میان این دو نهاد، به‌ویژه بر اساس بند ۶ ماده ۸۷ اساسنامه رم، نشده است.

البته بدیهی است آثار این همکاری یک‌طرفه و صرفاً معطوف به دیوان بین‌المللی کیفری نمی‌باشد. تردیدی نیست که اتحادیه اروپا نیز در راستای اهداف خود، منافع قابل‌توجهی را در همکاری با دیوان کسب می‌کند. نتایج این همکاری را در سطوح مختلف اتحادیه می‌توان مشاهده کرد. معاهده مؤسس اتحادیه اروپا، اهداف این اتحادیه را به شرح ذیل تبیین کرده است: «توسعه و تثبیت دموکراسی و حاکمیت قانون»، «رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین»، «حفظ صلح و تقویت امنیت بین‌المللی» و «توسعه همکاری‌های بین‌المللی». مشاهده می‌شود که اهداف بنیادین اتحادیه اروپا رابطه بسیار نزدیکی با اهداف و مأموریت

13. EU Annual Human Rights Report.

14. Commitment to Fight against Impunity and EU Support for the ICC.

15. Jan Wouters and Sudeshna Basu, "The Creation of a Global Criminal Justice System: The European Union and the International Criminal Court," *Katholieke Universite Leuven* 26 (2009): 15.

16. Ibidem.

17. Ibid, 16.

دیوان بین‌المللی کیفری دارد. به‌علاوه آنکه جرایمی که در اساسنامه تحت صلاحیت دیوان قرار گرفته‌اند کاملاً همسو با اصول و اهداف اتحادیه اروپا می‌باشند.^{۱۸}

اتحادیه اروپا در سند استراتژی امنیتی سال ۲۰۰۳^{۱۹} و در گزارش سال ۲۰۰۸ خود درخصوص اجرای استراتژی امنیتی اروپا^{۲۰} بر ضرورت و اهمیت حمایت خویش از دیوان بین‌المللی کیفری تأکید کرده است و اعتقاد دارد که تقویت دیوان بین‌المللی کیفری از مهم‌ترین طرق تقویت سیستم بین‌المللی عدالت کیفری می‌باشد.^{۲۱} بدین ترتیب می‌توان گفت اهداف پیش‌بینی‌شده در معاهده مؤسس اتحادیه و تأکید این اتحادیه بر حمایت و تقویت دیوان در سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان خویش نشان‌دهنده تلاش اتحادیه در حمایت هرچه بیشتر و همکاری نزدیک‌تر با دیوان می‌باشد.

پیچیدگی ساختار اتحادیه اروپا که نظامی مبتنی بر سه رکن کارکردی می‌باشد، این امر را ایجاب می‌کند که باتوجه‌به وظایف و صلاحیت‌های هریک از ارکان، برای همکاری اتحادیه و دیوان بین‌المللی کیفری چهارچوبی مناسب پیش‌بینی شود. این امر از آن جهت که ممکن است درموردی میان صلاحیت‌های آنها (جامعه اروپایی (رکن اول)، سیاست مشترک خارجی و امنیتی (رکن دوم) و همکاری قضایی و پلیسی در امور کیفری (رکن سوم)) هم‌پوشانی وجود داشته باشد، اهمیت دارد و لذا ضروری است ابعاد و چگونگی این همکاری هرچه بیشتر مشخص گردد.^{۲۲} امری که در سند موضع مشترک اتحادیه اروپا درباره دیوان بین‌المللی کیفری پیش‌بینی شد.

۳- اتخاذ موضع مشترک اتحادیه اروپا نسبت به دیوان بین‌المللی کیفری

۳-۱- سند موضع مشترک اتحادیه اروپا

چهارچوب اساسی رابطه میان اتحادیه و دیوان بین‌المللی کیفری در سند موضع مشترک اتحادیه اروپا درباره دیوان بین‌المللی کیفری (۲۰۰۲-۲۰۰۱) که ذیل رکن دوم اتحادیه به

18. Wouters and Basu, op.cit. 16.

19. A Secure Europe in a Better World - The European Security Strategy, Brussels, 12 December 2003.

20. Report on the Implementation of the European Security Strategy - Providing Security in a Changing World, Brussels, 11 and 12 December 2008.

21. Ibidem.

22. Ibid, 17.

تصویب رسیده، تبیین شده است.^{۲۳} این سند که در سال ۲۰۰۳ موردبازبینی قرار گرفت، درواقع بیانگر موضع اتحادیه و اساساً در پی حمایت و کمک به عملکرد مؤثر دیوان و نیز افزایش حمایت جهانی از دیوان از طریق مشارکت و عضویت هرچه بیشتر در سند رم می‌باشد.^{۲۴}

همچنین این سند را می‌توان یکی از مبانی تعهد اتحادیه به مبارزه با بی‌کیفری و نیز حمایت از مأموریت دیوان بین‌المللی کیفری دانست. لازم به توضیح است که در رویه روابط خارجی اتحادیه اروپا، اسناد مبین موضع مشترک اتحادیه درحقیقت تبیین‌کننده سیاست اتحادیه نسبت به آن موضوع می‌باشد. یکی از اهدافی که برای این سند در نظر گرفته شده است کمک به عضویت هرچه بیشتر در اساسنامه رم می‌باشد.^{۲۵} جالب توجه آنکه نسخه نخست این سند در سال ۲۰۰۱ به تصویب رسیده است یعنی زمانی که اساسنامه رم هنوز لازم‌الاجرا نشده بود، بدین‌ترتیب تصویب آن نقشی بسزا در تحقق شرایط لازم‌الاجرا شدن اساسنامه به‌وسیله الحاق و تصویب دول عضو اتحادیه داشت.^{۲۶}

همان‌گونه که اشاره شد سند مزبور در سال ۲۰۰۳ موردبازبینی قرار گرفت. سند جدید که البته به‌طورکلی مبتنی بر چهارچوب و مفاد سند سال ۲۰۰۱ بود، ضمن تأکید و تأیید مجدد اصول و قواعد حقوق بین‌الملل کیفری مندرج در اساسنامه رم، حوزه‌ها و اولویت‌های عملکردی اتحادیه و دولت‌های عضو آن در رابطه با دیوان را مشخص می‌نماید. به‌موجب مفاد این سند، اولویت‌های اتحادیه و دولت‌های عضو در رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری به شرح ذیل می‌باشد:

- الحاق هرچه بیشتر دولت‌ها به اساسنامه رم؛^{۲۷}
 - حمایت کامل اتحادیه اروپا و دولت‌های عضو از اجرای مفاد اساسنامه^{۲۸} (مقدمه، پاراگراف ۸)؛
 - حفظ صلاحیت جهانی و یکپارچگی اساسنامه رم.^{۲۹}
- این سند در ادامه برخی از تعهدات لازم برای اجرایی کردن این اولویت‌ها را شرح می‌دهد.

23. Ibidem.

24. Ibidem.

25. Common Position, Article 2.

26. Antoniadis, op.cit, 627.

27. Common Position, preamble, para 7.

28. Ibid, para 8.

29. Ibid, para 10.

به موجب بند ۱ ماده ۲، اتحادیه و دولت‌های عضو موظف می‌باشند به منظور تضمین عضویت هرچه بیشتر دولت‌ها در دیوان، در تمامی مذاکرات خویش با دولت‌های ثالث و یا دیگر سازمان‌های منطقه‌ای، موضوع تصویب یا الحاق به اساسنامه رم را مطرح و طرف مقابل را به این امر تشویق کنند.^{۳۰} همچنین به موجب بند دوم این ماده، اتحادیه و دولت‌های عضو موظف‌اند از شیوه‌های دیگر همچون اتخاذ تدابیری برای نشر و توسعه ارزش‌ها، اصول و مفاد اساسنامه دیوان به افزایش عضویت دولت‌ها در اساسنامه و مشارکت در کار دیوان کمک کنند. در این راستا، بر اساس بند ۳ ماده مزبور، دولت‌های عضو بایستی تجارب خویش در رابطه با مسائل مربوط به اجرای مفاد اساسنامه را با دیگر دولت‌ها در میان بگذارند و در صورت لزوم، به دولت‌ها در رابطه با الحاق به اساسنامه و اجرای آن در نظام داخلی خود، کمک‌های مالی و تخصصی لازم را ارائه نمایند.^{۳۱}

در کنار موارد فوق، سند مزبور تعهداتی نیز در راستای حمایت از حفظ استقلال دیوان برای اتحادیه و دولت‌های عضو در نظر می‌گیرد. به موجب ماده ۳ این سند، به منظور حمایت از استقلال دیوان، اتحادیه و دولت‌های عضو موظف‌اند تمامی تلاش‌های لازم برای تصویب موافقتنامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری توسط دولت‌های عضو اتحادیه و سایر دولت‌ها را به عمل آورند و نیز هرگونه کمک لازم برای آموزش و مساعدت به قضات، دادستان‌ها، مقامات و کارکنان دیوان را ارائه نمایند.^{۳۲}

نکته دیگری که در این سند جالب توجه و حائز اهمیت می‌باشد، مفاد ماده ۷ آن است. به موجب بند ۱ این ماده، دولت‌های عضو اتحادیه موظف به همکاری کامل به منظور تسهیل عملکرد و فعالیت مجمع دولت‌های عضو می‌باشند. همچنین بند ۲ ماده فوق، از دولت‌های عضو می‌خواهد که در جریان مذاکرات کارگروه ویژه مجمع دولت‌های عضو، برای نهایی‌سازی برنامه‌ها و اقدامات کارگروه تلاش نمایند و از راهکارهای اتخاذی همسو با نص و روح اساسنامه رم و منشور ملل متحد، حمایت کافی و لازم را به عمل آورند.^{۳۳}

به طور کلی، تصویب این سند از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو این سند نشان‌دهنده مواضع اتحادیه نسبت به دیوان می‌باشد؛ به عبارت دیگر تبیین‌کننده موضع مشترک اتحادیه در سطح بین‌المللی در رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری است. از سوی دیگر،

30. Common Position, Article 2(1).

31. Ibid, Article 2 (2-3).

32. Ibid, Article 3.

33. Ibid, Article 7 (2).

دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا سیاست‌های ملی خود در خصوص این موضوع را همسو و در تطابق با سیاست مشترک تنظیم نمایند.^{۳۴} با این حال، همان‌طور که مشاهده می‌شود مفاد این سند عمدتاً گزاره‌هایی کلی هستند که صرفاً خط‌مشی کلی را تبیین نموده‌اند. البته این امر با در نظر گرفتن ماهیت سند قابل‌درک است. لذا باید به‌منظور اجرایی کردن این سیاست‌ها راهکارهای لازم اندیشیده می‌شد.

اجرای این سیاست‌ها به شیوه‌های مختلف، از سوی اتحادیه دنبال شده است، خواه در قالب کمک‌های تخصصی به دولت‌های ثالث در رابطه با اجرای مفاد اساسنامه یا در قالب تشویق‌های دولت‌های ثالث به عضویت در دیوان در مذاکرات سیاسی. با این حال، اجرای این سیاست‌ها مشخصاً در برنامه اقدام مورد اشاره در همین سند موضع مشترک، پیش‌بینی و تبیین شده است.^{۳۵}

۳-۲- برنامه اقدام سند موضع مشترک

همان‌گونه که اشاره شد، اجرایی کردن سیاست‌های پیش‌بینی شده در سند موضع مشترک به «برنامه اقدام» واگذار شده است. نسخه اولیه این برنامه در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، اما با اصلاح سند موضع مشترک، این برنامه نیز در سال ۲۰۰۴ مورد بازبینی و اصلاح قرار گرفت. ساختار این برنامه مبتنی بر سه بخش می‌باشد: ایجاد هماهنگی در اقدامات اتحادیه در رابطه با دیوان؛ کمک به حفظ صلاحیت جهانی و یکپارچگی اساسنامه؛ استقلال و کارآمدی در عملکرد دیوان.

۳-۲-۱- ایجاد هماهنگی در اقدامات اتحادیه در رابطه با دیوان

نخستین بخش از برنامه اقدام، به بُعد نهادین همکاری میان اتحادیه و دیوان پرداخته است و به این نکته اشاره می‌کند که پیش شرط کمک اتحادیه به اعمال صلاحیت دیوان آن است که در اقدامات اتحادیه هماهنگی و انسجام وجود داشته باشد.^{۳۶} این بخش با تکیه بر ماده ۴ سند موضع مشترک تدوین شده است که به موجب آن، شورای اروپایی موظف به ایجاد هماهنگی در اقدامات اتحادیه و دولت‌های عضو در رابطه با دیوان گردیده است.^{۳۷} بدین ترتیب، بخش نخست این برنامه به دنبال تحقق اهداف ذیل می‌باشد: ارکان مختلف اتحادیه (از جمله

34. Wouters and Basu, op.cit. 17.

35. Common Position, preamble, para 9.

36. Wouters and Basu, op.cit. 18.

37. Action plan, Section A, 1(i).

کمیسیون و پارلمان اروپایی) از فعالیت‌ها و اقدامات مرتبط با دیوان در درون اتحادیه آگاه باشند، تبادل نظرات و ایده‌ها در میان ارکان مختلف اتحادیه صورت گیرد، از اتخاذ اقدامات تکراری و موازی جلوگیری شود و نهایتاً توجه به دیوان به‌نحو احسن در دستور کار ارکان اتحادیه قرار گیرد.^{۳۸}

برنامه اقدام به‌منظور تحقق بخشیدن به اهداف این بخش، تدابیر مختلفی را پیش‌بینی کرده است. یکی از این تدابیر، ایجاد مرکز هماهنگی^{۳۹} میان اتحادیه اروپا و دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد. این مرکز هم در سطح اتحادیه و هم در سطح کشورهای عضو ایجاد می‌شود. بدین‌صورت که دولت‌های عضو نیز موظف به ایجاد یک مرکز ملی برای مسائل و اطلاعات مربوط به دیوان می‌شوند. به‌طورکلی این مراکز عمدتاً به تسهیل هماهنگی و گردش اطلاعات میان دو نهاد می‌پردازند. ازجمله اقدامات آنها می‌توان به تبادل اطلاعات، شناسایی فرصت‌ها برای گنجاندن دیوان بین‌المللی کیفری در مذاکرات سیاسی و برقراری ارتباط با مراکز ملی میان دیوان و دولت‌های عضو به‌منظور تضمین هماهنگی میان اقدامات اتحادیه و دولت‌های عضو در رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری اشاره کرد.^{۴۰}

در کنار این مراکز، موضوع همکاری و حمایت از دیوان بین‌المللی کیفری توسط کارگروه حقوق بین‌الملل عمومی اتحادیه نیز تعقیب می‌شود. به‌موجب ماده ۴ برنامه اقدام، این کارگروه باید یک گروه ویژه برای دیوان بین‌المللی کیفری ایجاد نماید. این گروه ویژه به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های کارگروه، سالیانه چندین بار تشکیل جلسه می‌دهد و اقداماتی که از سوی هریک از ارکان اتحادیه در چهارچوب صلاحیت‌های خود می‌تواند انجام گیرد را موردبررسی قرار می‌دهد. به‌علاوه می‌تواند با سایر سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌های غیر عضو اتحادیه و سازمان‌های غیردولتی ارتباط برقرار کند و جلساتی در رابطه با چگونگی حمایت از دیوان و هماهنگ کردن اقدامات برگزار نماید.^{۴۱}

تمرکز برنامه اقدام صرفاً معطوف به ایجاد مراکز هماهنگی نبوده بلکه برای برخی ارکان اتحادیه نیز وظایفی تعیین کرده است. به‌موجب ماده ۶، کمیسیون اروپایی به‌صورت مرتب با دولت‌های عضو مشورت می‌نماید^{۴۲} و پیشرفت‌های حاصله را به اطلاع پارلمان می‌رساند.^{۴۳}

38. Ibid, 2(i). and, Wouters and Basu, op.cit. 18.

39. Focal Point.

40. Ibid, 2-3.

41. Ibid, 4; Wouters and Basu, op.cit. 18.

42. Ibid, 2.

43. Ibid, 7.

همچنین دولت‌های عضو موظف‌اند ضمن هماهنگی اقدامات خویش، موضوع همکاری و حمایت از دیوان بین‌المللی کیفری را در جلسات سازمان ملل و نیز سفارتخانه‌های خود در لاهه مطرح و پیگیری نمایند.^{۴۴}

۳-۲-۲- کمک به حفظ صلاحیت جهانی و یکپارچگی اساسنامه رم

این بخش از برنامه اقدام با تکیه بر ماده ۲ سند موضع مشترک تدوین شده است. ماده ۲ به مسئله الحاق هرچه بیشتر دولت‌ها به اساسنامه دیوان می‌پردازد و اتحادیه و دولت‌های عضو را موظف به تشویق دولت‌های ثالث و کمک به آنها در پیوستن به دیوان بین‌المللی کیفری می‌کند.

در راستای این هدف، برنامه اقدام ابتدا به استراتژی‌هایی اشاره می‌کند که باید به صورت ملی و منطقه‌ای و به منظور هماهنگی در کمک‌های تخصصی و سیاسی به دولت‌های غیر عضو دیوان مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، به موجب این بخش از برنامه، اتحادیه و دولت‌های عضو باید در راستای تلاش برای الحاق هرچه بیشتر دولت‌های غیر عضو، استراتژی‌هایی را با توجه به ملاحظات ملی و منطقه‌ای آنها تبیین کنند. بدین منظور باید به این مسائل توجه شود: اراده سیاسی دولت غیر عضو به عضویت در دیوان، مشکلات و موانع حقوقی موجود در نظام حقوقی آن دولت، سطح آمادگی آن دولت برای عضویت در دیوان، میزان حمایت و آمادگی جامعه داخلی دولت ذی‌ربط و نهایتاً تأثیری که اقدامات و کمک‌های اتحادیه در تشویق آن دولت به پیوستن به دیوان خواهد داشت. لذا، اتحادیه با توجه به ملاحظات مذکور، به تهیه و اتخاذ استراتژی‌هایی خواهد پرداخت که در سطح ملی و منطقه‌ای نسبت به دولت‌های غیر عضو اجرا می‌گردند. بدیهی است این استراتژی‌ها باید دقیق و در یک برنامه زمان‌بندی مشخص، توسط اتحادیه و دولت‌های عضو به اجرا گذاشته شود.^{۴۵}

علاوه بر اتخاذ استراتژی‌های فوق‌الذکر، به منظور تشویق و کمک به دولت‌ها در الحاق به اساسنامه رم، اتحادیه و دولت‌های عضو موظف‌اند به وسیله مساعدت‌های مستقیم تخصصی و مالی به دولت‌های غیر عضو کمک کنند تا اصلاحات قانونی لازم را در نظام حقوقی داخلی خویش اعمال نمایند و زمینه مناسب برای عضویت در دیوان را فراهم آورند.^{۴۶} این کمک‌ها

44. Ibid, 5.

45. Action plan, Section B, 2(I).

46. Ibid, 2(IX).

می‌تواند در قالب اعزام نیروهای متخصص به کشورهای ذی‌ربط یا بالعکس به‌منظور آموزش نیروهای دولت غیر عضو باشد. همچنین در رابطه با کشورهایی که فاقد امکانات و نیروی کافی برای رسیدگی و تحقیقات مناسب درخصوص جرایم بین‌المللی هستند، اتحادیه می‌تواند تیم‌های تخصصی متشکل از قضات و کارشناسان حقوقی را به آن کشورها اعزام نماید تا به دولت مزبور در امر تحقیق و رسیدگی در رابطه با جرایم مزبور کمک کنند.^{۴۷}

بدین ترتیب اتحادیه تاکنون تلاش قابل‌توجهی در تصویب هرچه بیشتر اساسنامه توسط دولت‌ها داشته است. از سال ۲۰۰۲ که اساسنامه قدرت اجرایی پیدا کرده است، اتحادیه بیش از ۲۷۵ طرح و برنامه را در بیش از ۱۱۰ کشور و سازمان بین‌المللی به اجرا گذاشته است.^{۴۸} اتحادیه همچنین موضوع عضویت را در مذاکرات دوجانبه از جمله در نشست سال ۲۰۰۶ فی‌مابین اتحادیه اروپا و دولت چین یا فی‌مابین اتحادیه اروپا و هند مطرح کرده است.^{۴۹}

در کنار این استراتژی‌ها و کمک‌های تخصصی، اصول راهنمایی که اتحادیه در حوزه‌هایی چون حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به تصویب رسانده است نقشی بسزا در تلاش این نهاد برای بسط صلاحیت سرزمینی دیوان و ارتقای کارآمدی آن داشته است. در این خصوص می‌توان به تصویب اصول راهنمایی اشاره کرد که اتحادیه اروپا در راستای افزایش رعایت اصول بنیادین جهانی همچون آزادی و دموکراسی، حاکمیت قانون، رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و نیز رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر به تصویب رسانده است. یکی از مهم‌ترین اصول راهنمای اتحادیه، اصول راهنمای مربوط به افزایش پیروی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه^{۵۰} می‌باشد که هدف از آن تضمین رعایت این اصول در داخل و خارج از مرزهای اتحادیه توسط دولت‌های عضو می‌باشد.^{۵۱}

نکته قابل‌توجه درخصوص این اصول راهنما آن است که آنها به دنبال اقدام ایالات‌متحده در انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه با دولت‌های عضو دیوان در رابطه با محدودیت اعمال صلاحیت کیفری نسبت به اتباع ایالات‌متحده به تصویب رسیدند تا بدین ترتیب خطوط راهنمای دولت‌های عضو که به انعقاد چنین معاهداتی با ایالات‌متحده می‌پرداختند، مشخص گردد. یکی از اصول اساسی مندرج در این مجموعه این است که به دولت‌های عضو

47. Ibid, 2(X).

48. Wouters and Basu, op.cit. 19.

49. Ibid, 19.

50. A Framework to Protect and Promote International Humanitarian/ Criminal Law in Third Countries.

51. Ibid, 5.

توصیه می‌کند موافقتنامه‌های مزبور را به‌گونه‌ای منعقد نمایند که تضمین گردد مرتکبان جنایات بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان، به‌نحو مقتضی محاکمه شوند و از کیفر مصون نمانند.^{۵۲}

بدیهی است در مسیر گسترش شمول صلاحیتی دیوان، اتحادیه تلاش خود را از درون سازمان باید آغاز نماید و آن تصویب اساسنامه توسط دولت‌های عضو اتحادیه می‌باشد. خوشبختانه این مهم به‌خوبی انجام گرفته است. دولت‌های عضو اتحادیه جزو نخستین دولت‌هایی بودند که اساسنامه را تصویب نمودند؛ و از این‌رو نقش عضویت این دولت‌ها در لازم‌الاجرا شدن اساسنامه غیرقابل‌انکار می‌باشد.^{۵۳} جالب توجه آنکه دولت‌هایی که پس از سند موضع مشترک و به دنبال طرح توسعه اتحادیه، به این اتحادیه پیوستند نیز همگی در حال حاضر عضو دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشند. این دولت‌ها البته پایبندی خود به عضویت در دیوان را حتی قبل از نهایی شدن پذیرش آنها به اتحادیه، اعلام کرده بودند.^{۵۴} بدین ترتیب در حال حاضر تمامی دولت‌های عضو اتحادیه، اساسنامه دیوان را تصویب کرده‌اند. در راستای این هدف، اتحادیه تلاش کرده است تصویب اساسنامه رم را صرفاً محدود به دولت‌های عضو خود نماند و تا حد امکان دولت‌های ثالث را نیز به عضویت در دیوان تشویق نماید.

همان‌گونه که اشاره شد تلاش اتحادیه در کمک به جهانی شدن اساسنامه رم صرفاً محدود به تصویب این سند به‌وسیله دولت‌های عضو اتحادیه نبوده و در روابط خارجی خود نیز همواره در سیاست‌های اتحادیه جای داشته است. اتحادیه و دولت‌های عضو آن همواره تلاش کرده‌اند در مذاکرات خود با دولت‌های ثالث موضوع الحاق به دیوان را به‌عنوان یک مسئله حقوق بشری مطرح و طرف مقابل را به انجام آن تشویق کنند. یکی از اقدامات مهم در این خصوص که پیرو سیاست‌های پیش‌بینی‌شده در سند موضع مشترک اتخاذ شد، گنجاندن شرطی با عنوان شرط دیوان بین‌المللی کیفری^{۵۵} در برخی از موافقتنامه‌های بین‌المللی منعقد شده با دولت‌های ثالث بود؛ برخی از این موافقتنامه‌ها عبارت‌اند از موافقتنامه منعقد شده میان اتحادیه

52. Ibid, 19.

53. Cedric Ryngaert, "Universal Jurisdiction in an ICC Era: A Role to Play for EU Member States with the Support of the European Union," *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 14 (2006): 74.

54. Common Position, preamble, para 8.

55. ICC Clause.

و چین، روسیه، اوکراین، عراق و کشورهای آمریکای مرکزی.^{۵۶}

۳-۲-۳- استقلال و کارآمدی در عملکرد دیوان

بخش سوم برنامه اقدام که بر اساس مواد ۱، ۳، ۵ و ۷ سند موضع مشترک تدوین شده است به مسئله حفظ استقلال دیوان و عملکرد مؤثر آن می‌پردازد. بدین منظور، همچون بخش‌های قبل، مجموعه‌ای از اقدامات برای اتحادیه و دولت‌های عضو پیش‌بینی شده است. از جمله مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف - همکاری و نظارت دولت‌های عضو بر شفافیت روند انتخاب قضات، دادستان‌ها و کارکنان دیوان و نیز کمک هرچه بیشتر به انتخاب قضات شایسته و متخصص؛^{۵۷} ب - وضع قوانین و مقررات لازم برای اجرای اساسنامه دیوان و نیز موافقتنامه مربوط به مزایا و مصونیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در قوانین داخلی دولت‌های عضو؛^{۵۸} ج - همکاری با دیوان در انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت آن به‌ویژه از طریق ارائه کمک‌های تخصصی و اجرای قرارهای توقیف و نیز احکام محکومیت؛^{۵۹} د - اصلاح قوانین و مقررات داخلی اتحادیه و دولت‌های عضو از جمله قوانین مربوط به مهاجرت و اجرای قرارهای صادره در خارج از دولت‌های عضو به‌منظور هماهنگی و تطابق با مقررات اساسنامه و عملکرد دیوان؛^{۶۰} ر - حمایت دولت‌های عضو از تصویب هرچه سریع‌تر موافقتنامه میان دیوان و سازمان ملل متحد.^{۶۱}

۴- تصویب موافقتنامه‌های همکاری با دولت‌های ثالث و پیش‌بینی شرط

دیوان بین‌المللی کیفری^{۶۲}

اخیراً اتحادیه در همکاری‌های دوجانبه با آفریقا و آسیای مرکزی^{۶۳} نیز این موضوع را مورد تأکید قرار داده و ضمن تأکید بر پایبندی طرفین به مبارزه با بی‌کیفری، درخصوص

56. See: China (Doc. 14892/06), Russia (Doc. 15053/06), Ukraine (5062/07), Iraq (Doc. 511/06), Central America (Doc. 7932/1/07) and the Andean Community (Doc. 7913/1/07).

Antoniadis, op.cit. 646.

همچنین نک:

57. Action Plan, Section C, 2 (I and IV).

58. Ibid, 2(IIIX and X).

59. Ibid, 2(IX).

60. Ibid, 2(XI).

61. Ibid, 2(XII).

62. ICC Clause.

63. Wouters and Basu, op.cit. 19-20.

همکاری هرچه بیشتر با دیوان بین‌المللی کیفری و عضویت دولت‌های ذی‌ربط در دیوان، تدابیری را پیش‌بینی کرده است، از جمله در سند همکاری میان اتحادیه و کشورهای آسیای مرکزی، تشویق و کمک به عضویت کشورهای قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان از مهم‌ترین برنامه‌های طرفین می‌باشد که اتحادیه به‌شدت آن را پیگیری می‌نماید.^{۶۴}

در میان این اسناد همکاری، می‌توان به موافقتنامه کوتونو اشاره کرد^{۶۵} که نقشی اساسی در پیشبرد اصول حقوق بین‌الملل کیفری و به‌ویژه الحاق دولت‌های ثالث به اساسنامه رم در کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و اقیانوسیه داشته است.^{۶۶} این موافقتنامه همکاری میان کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و اقیانوسیه و جامعه اروپایی در ژوئن ۲۰۰۰ در کوتونو پایتخت بنین منعقد شد. این موافقتنامه یکی از بزرگ‌ترین اقدامات اتحادیه اروپا در حمایت از کشورهای ناتوان و فقیر در راستای تحقق اهداف هزاره محسوب می‌شود. این موافقتنامه بر پایه پنج اصل اساسی تصویب شده است:

- تقویت ابعاد سیاسی رابطه میان اتحادیه اروپا و کشورهای آفریقایی، حوزه کارائیب و اقیانوسیه؛
- مشارکت جامعه مدنی، بخش خصوصی و بازیگران غیردولتی؛
- کاهش فقر؛
- ایجاد یک چهارچوب همکاری اقتصادی و تجاری؛
- بهینه‌سازی ابزار مالی.

این موافقتنامه که در سال ۲۰۰۵ موردبازنگری قرار گرفت، از اسناد الزام‌آوری است که شرط دیوان بین‌المللی کیفری در آن ذکر شده است. بند ۶ ماده ۱۱ این موافقتنامه میان مسئله الحاق به اساسنامه و اجرای آن پیوند برقرار کرده و به‌نوعی تلاش کرده است که این موضوع صرفاً به تصویب اساسنامه ختم نگردد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که صرف تصویب اساسنامه نمی‌تواند منجر به اهدافی گردد که زیربنای تأسیس دیوان را شکل می‌دهد. این ماده همچنین طرفین معاهده را متعهد به مبارزه با جرایم بین‌المللی بر اساس حقوق بین‌الملل و با توجه به اساسنامه دیوان می‌نماید. در رابطه با این بند لازم به توضیح است که

64. Ibid, 20.

65. Cotonou Agreement.

66. Ibidem.

مفاد این موافقتنامه فاقد مکانیزم مشخصی برای الحاق و اجرای اساسنامه و نیز مبارزه با جرایم بین‌المللی می‌باشد. با این حال پیش‌بینی این موضوع در این معاهده و مهم‌تر از آن پیش‌بینی مبارزه با جرایم بین‌المللی به‌عنوان یک تعهد بین‌المللی، گامی است که حتی از اساسنامه نیز فراتر رفته است. باید توجه داشت که اولاً عضویت در اساسنامه دیوان امری است که تحت صلاحیت ذاتی و انحصاری دولت‌ها بوده است و از این منظر تعهدی برای آنها وجود ندارد؛ ثانیاً آنکه حتی در صورت الحاق نیز تعهدی به شروع رسیدگی‌ها و محاکمات به‌موجب اساسنامه ندارند. حال آنکه موافقتنامه مزبور مبارزه با جنایات بین‌المللی را یک تعهد بین‌المللی برای طرف‌ها برشمرده است.^{۶۷}

به‌موجب بند ۷ ماده ۱۱ این موافقتنامه، طرفین متعهد گردیدند تلاش‌های لازم برای فراهم ساختن زمینه‌های الحاق به دیوان بین‌المللی کیفری را به انجام رسانند. به‌موجب این موافقتنامه، اتحادیه اروپا در همکاری‌هایی که با کشورهای اندونزی، تایلند، سنگاپور، برونئی، مالزی، ویتنام، فیلیپین و آفریقای جنوبی دارد، تلاش خواهد کرد این کشورها را به عضویت در دیوان تشویق و کمک‌های لازم را برای فراهم ساختن زمینه‌های الحاق آنها ارائه نماید.^{۶۸} در کنار این اقدامات، کمیسیون اروپایی در چهارچوب سند سیاست اروپا در روابط همسایگی برنامه‌های کاری مختلفی را با شماری از دولت‌های غیر عضو اتحادیه تدوین نموده و در تمامی آنها شرط الحاق به دیوان بین‌المللی کیفری را پیش‌بینی کرده است. برخی از این کشورها عبارت‌اند از ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، مصر، لبنان، اردن و اوکراین. اتحادیه اروپا همچنین تلاش کرده است با کمک‌های مالی و تخصصی به دولت‌های غیر عضو، آنها را در اجرای اساسنامه یاری کند. از جمله این موارد می‌توان به کمک مالی کمیسیون اروپایی به سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد که تحت چهارچوب سند اروپایی دموکراسی و حقوق بشر انجام شد.^{۶۹} از زمان تصویب اساسنامه رم، کمیسیون بیش از هفده میلیون یورو به جامعه مدنی و کمپین‌های تشکیل‌شده در راستای تصویب اساسنامه رم کمک کرده است. همچنین دولت‌های عضو اتحادیه بیش از ۵۷ درصد از کمک‌های مالی به دیوان را تأمین کرده‌اند.^{۷۰}

67. Antoniadis, op.cit. 648.

68. Wouters and Basu, op.cit. 20.

69. Ibid, 21.

70. Ibidem.

۵- امضای موافقتنامه همکاری و معاضدت دیوان و اتحادیه اروپا

اساس همکاری اتحادیه اروپا و دیوان بین‌المللی اصولاً بر مبنای ماده ۸۷ اساسنامه تعریف و توجیه می‌شود. چهارچوبی که اساسنامه به منظور ایجاد همکاری میان دیوان و سازمان‌های بین‌الدولی و استفاده از ظرفیت‌های آنها تدوین کرده است. در رابطه با اتحادیه اروپا، این همکاری نهادین با دیوان، در قالب موافقتنامه همکاری و معاضدت^{۷۱} که در سال ۲۰۰۶ میان دیوان و اتحادیه منعقد گردید، تحقق یافته است.^{۷۲}

این موافقتنامه که در می ۲۰۰۶ به امضاء رسید و یک ماه بعد الزام‌آور شد، نخستین سند همکاری دیوان بین‌المللی کیفری با یک سازمان منطقه‌ای در چهارچوب ماده ۸۷ اساسنامه بود. موافقتنامه مزبور در حقیقت در پی درخواست دادستان دیوان از اتحادیه مبنی بر ارائه برخی اطلاعات استراتژیک به دیوان، تهیه شده بود. از منظر نظم داخلی اتحادیه، این موافقتنامه با تکیه بر ماده ۲۴ معاهده مؤسس تهیه شده است و لذا مفاد آن صرفاً مسائل مهم و کلی همکاری میان طرفین را مدنظر قرار می‌دهد.^{۷۳} همچنین این موافقتنامه هیچ تأثیری بر همکاری انفرادی میان دولت‌های عضو اتحادیه و دیوان ندارد.^{۷۴}

در مقدمه موافقتنامه فوق، ضمن اشاره به اهمیت رعایت و احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، طرفین به نکات مهمی اذعان می‌کنند که می‌توان به همسویی اهداف و اصول اتحادیه و اساسنامه اشاره کرد. در مقدمه موافقتنامه دو نکته حائز اهمیت می‌باشد؛ نخست اینکه طرفین صراحتاً به سند موضع مشترک شورا در خصوص دیوان بین‌المللی کیفری و برنامه اقدامی که به دنبال این سند و به منظور عملی کردن مواضع اتحادیه تهیه شده است، اشاره می‌شود.^{۷۵}

نکته دوم را می‌توان در پاراگراف هفتم مقدمه مشاهده کرد که صراحتاً به پایبندی اتحادیه اروپا به حمایت از عملکرد مؤثر و کارآمد دیوان بین‌المللی کیفری و نیز افزایش حمایت جهانی از دیوان به وسیله افزایش هرچه بیشتر مشارکت و عضویت در اساسنامه اشاره کرده است.^{۷۶} به موجب مفاد این موافقتنامه، طرفین متعهد شده‌اند تا از طرق ذیل با یکدیگر همکاری

71. EU-ICC Cooperation and Assistance Agreement, 10 April 2006 (OJ L 115 of 28.04.2006).

72. Ibid, 22.

73. Antoniadis, op.cit. 634.

74. EU-ICC Cooperation and Assistance Agreement, preamble, para 10.

75. Ibid, para 6.

76. "... CONSIDERING that the European Union is committed to supporting the effective functioning of the International Criminal Court and to advance universal support for it by promoting the widest possible participation in the Rome Statute; ..."

نمایند: تبادل اطلاعات (ماده ۷)؛ ارائه شهادت‌نامه از سوی کارکنان اتحادیه (ماده ۱۰)؛ همکاری و ارائه اطلاعات به دادستان دیوان (ماده ۱۱)؛ ارائه کمک و آموزش به قضات، دادستان‌ها، کارکنان و کارشناسان دیوان (ماده ۱۵)؛ تأمین نیروهای کارشناس از طرف اتحادیه (ماده ۱۳). در راستای این تعهدات، اتحادیه اروپا حین رسیدگی به وضعیت‌های دارفور و کنگو کمک‌های بسیاری به دفتر دادستانی دیوان نموده است.^{۷۷}

اما در کنار این تعهدات کلی، تعهدی که اتحادیه به‌موجب ماده ۱۲ موافقت‌نامه در رابطه با اشخاص دارای امتیازات و مصونیت برعهده گرفته است، جالب توجه می‌باشد. به‌موجب این ماده، در رابطه با اشخاصی که مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان شده‌اند لیکن به‌موجب مقررات حقوق بین‌الملل از مصونیت قضایی برخوردار می‌باشند؛ چنانچه دیوان قصد رسیدگی به جرایم آنها را داشته باشد، اتحادیه متعهد می‌باشد همکاری کامل را با دیوان به‌عمل آورد و با توجه به صلاحیت‌ها و مسئولیت‌هایی که به‌موجب معاهده مؤسس اتحادیه اروپا برعهده دارد، تمامی اقدامات مقتضی برای اعمال صلاحیت دیوان، از جمله سلب مزایا و مصونیت‌های مورد اشاره را اتخاذ دارد. (ماده ۱۲ موافقت‌نامه)^{۷۸}

پیرو موافقت‌نامه مزبور، طرفین در سال ۲۰۰۸ مکانیزم اجرایی توافقات اتحادیه اروپا و دیوان بین‌المللی کیفری را به‌منظور تبادل اطلاعات سری و محرمانه نهایی کردند.^{۷۹} این مکانیزم همان‌گونه که از نام آن پیداست جزئیات این همکاری و هماهنگی را باتوجه‌به صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های اتحادیه و در چهارچوب معاهده مؤسس تبیین می‌نماید.

۶- همکاری پلیسی و قضایی در رابطه با امور کیفری

علاوه‌بر ترتیباتی که اتحادیه اروپایی و دیوان بین‌المللی کیفری به‌صورت دوجانبه برای همکاری با یکدیگر پیش‌بینی کرده‌اند، در داخل اتحادیه نیز اقدامات و ترتیباتی ذیل رکن سوم یعنی همکاری پلیسی و قضایی در حوزه امور کیفری در راستای تحقق عدالت کیفری

77. Wouters and Basu, op.cit. 22.

78. در رابطه با این تعهد باید توجه داشت که این سلب مزایا و مصونیت‌ها از طرف اتحادیه با توجه به مفاد پروتکل جامعه اروپایی درباره مزایا و مصونیت‌ها (Protocol on the Privileges and Immunities of the European Communities (OJ 167, 13.7.1967)) صورت خواهد گرفت که به‌موجب آن سلب این مصونیت‌ها زمانی مجاز است که همسو با منافع و مصالح جوامع اروپایی باشد. بدین ترتیب، وجود این پروتکل سبب می‌شود که در اجرای این ماده تعادلی ایجاد گردد تا نگرانی‌هایی که ممکن است در داخل اتحادیه وجود داشته باشد نیز برطرف گردد.

79. EU-ICC Implementing Arrangements.

نسبت به مرتکبین جرایم تحت صلاحیت دیوان اندیشیده شده است. از جمله این اقدامات می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۶-۱- تأسیس شبکه‌ای از مراجع اطلاعاتی مربوط به افرادی که مرتکب ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی در داخل دولت‌های عضو شده‌اند.^{۸۰} به موجب تصمیم شورای اروپایی در سال ۲۰۰۲، دولت‌های عضو اتحادیه موظف گردیدند یک مرجع اطلاعاتی به منظور ارائه و تبادل اطلاعات در رابطه با تحقیقات و رسیدگی‌های مربوط به جرم ژنوسید، جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت به‌نحو مقرر در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه ایجاد نمایند و مراتب را به اطلاع دبیرکل شورا برسانند.^{۸۱} درحقیقت این مراجع اطلاعاتی، ابزاری مناسب برای تسهیل همکاری میان دولت‌های عضو اتحادیه خواهند بود. نقش این مراجع عمدتاً ارائه اطلاعات موجود به مقامات یا مراجع رسیدگی‌کننده به جنایات بین‌المللی می‌باشد.

نکته قابل توجه درخصوص این تصمیم شورا آن است که مقدمه آن صراحتاً به اساسنامه رم اشاره کرده است که نشان می‌دهد تصمیم شورا بر اساس مفاد اساسنامه اتخاذ شده است. این سند در مقدمه خود بیان می‌کند که ارتکاب جنایات بین‌المللی‌ای چون ژنوسید، جرایم جنگی و جنایت علیه بشریت نباید بی‌کیفر بماند و رسیدگی مؤثر به آنها بایستی با اتخاذ اقدامات مناسب ملی و بین‌المللی ممکن تحقق یابد.^{۸۲} سپس صراحتاً اشعار می‌دارد که به‌منظور رسیدگی و محاکمه مؤثر مرتکبین جنایات بین‌المللی، ضروری است که مقامات ذی‌ربط دولت‌های عضو اساسنامه از جمله دولت‌های عضو اتحادیه اروپا همکاری تنگاتنگ و نزدیکی در این حوزه داشته باشند و این همکاری زمانی محقق می‌گردد که دولت‌های عضو ترتیباتی برای تبادل مستقیم اطلاعات از طریق مراجع اطلاعاتی تخصصی پیش‌بینی نمایند.^{۸۳}

۶-۲- تصمیم شورای اتحادیه اروپا درخصوص رسیدگی و محاکمه جرم ژنوسید، جنایات علیه بشریت و جرایم جنگی

یک سال پس از تصمیم مربوط به مراجع اطلاعاتی ملی، شورای اتحادیه اروپا تصمیم دیگری

80. Council Decision 2002/494/JHA of 13 June 2002 (OJ L 167/1, 26.6.2002).

81. Ibid. Article 1.

82. Council Decision 2002, preamble, para 2.

83. Ibid, paras. 9-11.

در خصوص رسیدگی و محاکمه مرتکبین جنایات بین‌المللی مصرح در اساسنامه رم اتخاذ نمود.^{۸۴} هدف از این تصمیم افزایش همکاری میان دولت‌های عضو و در نتیجه حداکثرسازی توان مجریان قانون در رسیدگی و محاکمه مرتکبین جرایم مندرج در مواد ۶، ۷ و ۸ اساسنامه بود.^{۸۵} به منظور دستیابی به این هدف، شورا تعهداتی را برای دولت‌های عضو پیش‌بینی می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از: ارائه اطلاعات به مجریان قانون و مراجع رسیدگی‌کننده به ارتکاب این جنایات،^{۸۶} کمک و همکاری دولت‌های عضو با یکدیگر در رسیدگی و محاکمه مرتکبین این جنایات و اطلاع‌رسانی فوری به یکدیگر در مواردی که احتمال حضور فرد مظنون به ارتکاب این جرایم در سرزمین آنها وجود دارد^{۸۷} و هماهنگی و تبادل اطلاعات به صورت دوره‌ای به منظور آگاهی از فعالیت‌های انجام‌گرفته در این خصوص.^{۸۸}

یکی از مفاد جالب توجه در این تصمیم آن است که به موجب ماده ۴ آن، دولت‌های عضو موظف می‌باشند واحدهایی تخصصی در مراجع ذی‌صلاح داخلی تأسیس نمایند تا به صورت تخصصی و مشخص به مسئله رسیدگی و محاکمه جرایم مزبور بپردازند. در حال حاضر کشورهای چون بلژیک، هلند و دانمارک این واحدها را در سیستم داخلی خود ایجاد کرده‌اند که تاکنون در بیش از ۸۰ درصد از پرونده‌های مربوط به ارتکاب جنایات بین‌المللی کمک کرده‌اند.^{۸۹}

اگرچه در این اقدامات، جایی برای مداخله یا حضور برای دیوان بین‌المللی کیفری مشاهده نمی‌شود، اما اجرای آنها در داخل اتحادیه نقشی بسزا در تحقق مأموریتی خواهد داشت که دیوان دنبال می‌کند. به علاوه آنکه اجرای این مکانیزم‌ها قطعاً می‌تواند مورد استفاده دیوان نیز قرار گیرد. به عنوان مثال با تأسیس مراجع اطلاعاتی تخصصی در دولت‌های عضو، منابع اطلاعاتی موثق و مفیدی فراهم خواهد آمد که در صورت لزوم می‌تواند دیوان را در امر رسیدگی و تحقیق در خصوص وضعیت‌های مختلف یاری کند. به هر روی، این اقدامات سبب شده است که اتحادیه به عنوان بازیگری پیشرو در تشویق دولت‌ها به نهادینه‌سازی مبارزه علیه بی‌کیفر ماندن مرتکبین جنایات بین‌المللی شناسایی شود.^{۹۰}

84. Council Decision 2003/335/JHA of 8 May 2003 (OJ L 118/12, 14.5.2003).

85. Council decision 2003, Article 1.

86. Ibid, Article 2.

87. Ibid, Article 3.

88. Ibid, Article 5.

89. Wouters and Basu, op.cit. 24-25.

90. Ibid, 24.

۳-۶- تصمیم شورای اروپا در خصوص قرار جلب اروپایی و تشریفات مربوط به استرداد مجرمین

در ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲، شورای اتحادیه اروپا تصمیمی را برای تعیین چهارچوب اقدام دولت‌های عضو در مورد قرار جلب اروپایی و تشریفات استرداد متهمان میان دولت‌های عضو به تصویب رساند.^{۹۱} این تصمیم درحقیقت با توجه به مشکلات و محدودیت‌هایی اتخاذ شد که در روش سنتی استرداد مجرمین وجود داشت. «اتخاذ این تصمیم به‌جای تهیه کنوانسیون در این رابطه، بیشتر بدین جهت بود که اولاً اجرای مواد آن با اعمال حق شرط اعضاء با مانع مواجه نگردد؛ ثانیاً اجرای آن موکول به تصویب همه اعضاء نشود و به سرنوشت کنوانسیون‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ دچار نگردد. از این رو، به‌موجب تصمیم ۱۳ ژوئن ۲۰۰۲، دولت‌ها مکلف شدند که حداکثر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۳ مفاد آن را در حقوق داخلی خود وارد ساخته و مکانیسم جدید را از تاریخ اول ژانویه ۲۰۰۴ در قلمرو اتحادیه اروپا به اجرا گذارند.»^{۹۲} ماده ۱ تصمیم فوق به تعریف قرار جلب اروپایی پرداخته و آن را تصمیمی قضایی می‌خواند که «توسط یک دولت عضو صادر می‌شود تا دولت عضو دیگر، به نام دولت اجراکننده، شخصی را که برای تعقیب کیفری یا اجرای مجازات یا اقدام تأمینی سالب آزادی تحت پیگرد قرار دارد، بازداشت و به دولت صادرکننده تحویل نماید.»^{۹۳}

اهمیت این تصمیم از منظر بحث حاضر را در دو مورد می‌توان مشاهده کرد. نخست ماده ۲ آن می‌باشد که فهرست جرایمی که تحت شمول قرار جلب اروپایی قرار می‌گیرند و دولت‌های عضو می‌توانند در خصوص آنها به صدور چنین قرارهای بپردازند را مشخص می‌کند. به‌موجب این ماده، یکی از جرایمی که دولت‌های عضو می‌توانند در خصوص آن، قرار جلب اروپایی صادر کنند، جرایم تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری می‌باشد.^{۹۴} بدین ترتیب دولت‌های عضو می‌توانند با استناد به این بند به استرداد افرادی بپردازند که تحت تعقیب دیوان بین‌المللی کیفری هستند. به‌علاوه آنکه به‌موجب بند ۲ این ماده، صرف اینکه جرایم مندرج در این ماده به‌موجب قانون دولت صادرکننده قرار جرم محسوب شود و مجازاتی

91. Framework Decision 2002/584 of 13 June 2002 (OJ L 190/1, 18.7.2002).

۹۲. علی خالقی، «قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا»، *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۷ (۱۳۸۴)، ۱۸.

۹۳. همانجا.

94. Framework Decision, Article 2(2).

حداقل سه سال حبس یا اقدام تأمینی سالب آزادی داشته باشد، کافی است و می‌توان نسبت به صدور قرار اروپایی اقدام کرد. به عبارت دیگر، لزومی ندارد این اعمال در دولت اجراکننده قرار نیز جرم محسوب شود و این دولت به محض دریافت قرار صادره توسط دولت صادرکننده، موظف به اجرای آن خواهد بود و شرط مجرمیت مضاعف لازم‌الرعايه نیست،^{۹۵} امری که در تعقیب و محاکمه افراد متهم به ارتکاب جرایم بین‌المللی کمک شایانی می‌کند.

علاوه بر این، ماده ۱۶ نیز حاوی مقرراتی است که درخصوص عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری حائز اهمیت فراوان است. به موجب بند ۴ ماده ۱۶ تصمیم شورا، در صورتی که دیوان و یک دولت عضو اتحادیه قرار جلیبی را به صورت هم‌زمان نسبت به فرد خاصی صادر نمایند و خواستار استرداد فرد ذی‌ربط شوند، دولت اجراکننده قرار موظف به اجرای درخواست دیوان و استرداد آن به دیوان می‌باشد.

مشاهده می‌شود که مکانیزم قرار جلب اروپایی اولاً با کنار گذاشتن شیوه سنتی استرداد مجرمین، محدودیت‌های موجود را به مراتب کنار گذاشته و طی تصمیمی الزام‌آور، رویه‌ای یکسان و مشخص برای دولت‌های عضو تعریف کرده است و درحقیقت ابزاری مناسب برای همکاری دولت‌های عضو اتحادیه با دیوان را فراهم ساخته است.^{۹۶} همچنین با قید جرایم بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان و قرار دادن آنها در فهرست جرایم تحت شمول قرار جلب اروپایی، اقدامی بسیار مفید و قابل توجه در راستای رسیدگی و محاکمه مرتکبین جرایم بین‌المللی اتخاذ داشته است. به علاوه در این راستا، شورا به همکاری اتحادیه با دیوان بین‌المللی کیفری نیز توجه کرده و دولت‌های عضو را موظف نموده است که در صورت درخواست استرداد از سوی دیوان بین‌المللی کیفری، به موضوع توجه ویژه نشان دهند و تعهداتی که به موجب اساسنامه رم برعهده گرفته‌اند را به طور کامل رعایت نمایند.

همین نتایج را در دیگر اقدامات داخلی اتحادیه نیز می‌توان مشاهده کرد. بدیهی است این اقدامات به دولت‌های عضو کمک می‌کند که به نحو بهتری تعهدات خویش به موجب اساسنامه دیوان و به موجب توافقات میان اتحادیه و دیوان بین‌المللی کیفری را به اجرا گذارند. این اقدامات همچنین سبب می‌شود نظام داخلی حقوق کیفری دولت‌های عضو بیش‌ازپیش یکدست و یکپارچه شود و همکاری آنها در حوزه مبارزه با بی‌کیفری هرچه بیشتر تقویت

95. Ibidem.

96. Luisa Vierucci, "The European Arrest Warrant: An Additional Tool for Prosecuting ICC Crimes," *Journal of International Criminal Justice* 2 (2004): 277.

گردد.

نتیجه

پس از جنگ جهانی دوم و استقرار سازمان ملل متحد به‌عنوان نهادی با صلاحیت و رسالت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، رویکردی در میان نظریه‌پردازان حقوقی شکل گرفت که بعدها به‌عنوان نظریه «انسانی کردن حقوق بین‌الملل» شهرت یافت. اگر تا قبل از تولد سازمان ملل متحد، تنها رسالت حقوق بین‌الملل حفظ صلح و امنیت و کاهش زمینه‌های بروز جنگ بود، پس از آن در کنار این مهم و در پرتو منشور ملل متحد، پرداختن به افراد بشر و تلاش برای حفظ شأن و حقوق آنها به‌عنوان یکی از محورهای اصلی حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفت. حاصل این رویکرد، ظهور اسنادی بود که کشورها را ملزم به حفظ چهارچوب‌های انسانی در اجرای صلاحیت‌های خویش می‌کرد. اسناد مرتبط با حقوق بشر، حقوق بشردوستانه، حقوق مسئولیت کیفری و حتی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست جزو این دسته از اسناد می‌باشند.

اندیشه تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری حاصل همین رویکرد در حقوق بین‌الملل است. تأسیس دادگاهی بین‌المللی که می‌تواند به آن دسته از جرایمی که دون شأن انسانیت واقع شده است رسیدگی کند و از طریق استقرار عدالت کیفری بین‌المللی از انسان‌ها و حقوق آنها حمایت و حفاظت نماید. اگرچه تحقق رؤیای دیوان بین‌المللی کیفری به‌واسطه تردیدها و ملاحظه‌انگاری کشورها نیم‌قرن به درازا کشید، اما نهایتاً در اثر موج انسان‌خواهی جامعه بین‌الملل اساسنامه آن در سال ۱۹۹۸ در کنفرانس رم به تصویب ۱۲۰ کشور رسید و دیوان بین‌المللی کیفری متولد شد.

مسیری که دیوان برای رسیدن به هدف خود یعنی استقرار عدالت کیفری بین‌المللی در پیش دارد به دلایل مختلف سیاسی طریقی سخت و دشوار است که جز با همکاری و مساعی کشورها و نهادهای بین‌المللی محقق نمی‌شود. بی‌تردید این همکاری نمی‌تواند صرفاً محدود به کشورها بوده و سازمان‌های بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای چون اتحادیه اروپا نیز باتوجه به نقشی که در عرصه بین‌المللی دارند می‌توانند به اشکال مختلف دیوان را در تحقق بخشیدن به مأموریتش یاری رسانند.

اتحادیه اروپا به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای که مراحل بلوغ خود را طی کرده است و در جایگاه یک نهاد اتقان‌یافته بین‌المللی قرار دارد، از بدو تولد دیوان بین‌المللی کیفری مشی

همکاری و حمایت از دیوان را در پیش گرفته است. اگرچه به تصریح اساسنامه صرفاً دولت‌ها می‌توانند عضو دیوان شوند، اما این مانع همکاری و سود جستن از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی نمی‌شود. بستر این همکاری را ماده ۸۷ اساسنامه مهیا می‌سازد که دیوان را مجاز به اخذ هرگونه همکاری و حمایت از سوی سازمان‌های بین‌المللی به‌منظور تأمین اطلاعات و اسناد موردنیاز نموده است؛ بنابراین رابطه‌ای که می‌تواند میان اتحادیه اروپا به‌عنوان یک نهاد فراملی و دیوان بین‌المللی کیفری شکل گیرد در چهارچوب ماده ۸۷ اساسنامه خواهد بود. در چهارچوب این رابطه، اتحادیه اروپا در بدو تأسیس دیوان اقدامات مهمی را در جهت حمایت از آن اتخاذ کرده است.

اتحادیه اروپا با این رویکرد که تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری و استقرار عدالت بین‌المللی کیفری و مبارزه با بی‌کیفری جرایم بین‌المللی منطبق و هم‌راستای اصول نهادین اتحادیه است و تقویت و توسعه دیوان منجر به استقرار و استواری هرچه بیشتر اصول اتحادیه می‌گردد، حمایت از دیوان را جزو سیاست‌های اصلی خود قرار داده است. اتحادیه اروپا در راستای تحقق این سیاست، حمایت از دیوان را در دو محور سامان داده است. محور اول کمک به بسط صلاحیت سرزمینی دیوان و محور دوم حمایت از کارآمدی و عملکرد مؤثر دیوان.

در رابطه با محور اول، اتحادیه اروپا علاوه بر الزام کشورهای عضو خود به الحاق به دیوان، چهارچوبی را تعیین کرده است تا در تعاملات خود با کشورهای ثالث آنها را ترغیب به عضویت دیوان نماید که بارزترین اقدام اتحادیه در تحقق این رویکرد درج «شرط الحاق به دیوان» در موافقتنامه‌هایی است که اتحادیه با برخی کشورها منعقد می‌کند. این رویکرد اتحادیه علاوه بر اینکه صلاحیت دیوان برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی در گستره جهانی را گسترش می‌دهد، موجب ارتقای اعتبار دیوان نیز می‌گردد.

درمورد محور دوم، اتحادیه اروپا برنامه‌های متعددی را در دستور کار خود قرار داده است که به‌صورت مداوم و سازمان‌یافته آنها را پی می‌گیرد. از جمله می‌توان به ارائه کمک‌های مالی و آموزشی اتحادیه به کشورهای عضو دیوان به‌منظور ارتقای ظرفیت‌ها و استانداردهای قضایی آنها برای رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت دیوان اشاره کرد. اتحادیه همچنین دولت‌های عضو خود را ملزم به همکاری و نظارت بر شفافیت روند انتخاب قضات، دادستان‌ها و کارکنان دیوان و نیز کمک هرچه بیشتر به انتخاب قضات شایسته و متخصص، وضع قوانین و مقررات لازم برای اجرای اساسنامه دیوان و نیز موافقتنامه مربوط به مزایا و

مصونیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در قوانین داخلی دولت‌های عضو، همکاری با دیوان در انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت آن به‌ویژه از طریق ارائه کمک‌های تخصصی و اجرای قرارهای توقیف و نیز احکام محکومیت، اصلاح قوانین و مقررات داخلی اتحادیه و دولت‌های عضو از جمله قوانین مربوط به مهاجرت و اجرای قرارهای صادره در خارج از دولت‌های عضو به‌منظور هماهنگی و تطابق با مقررات اساسنامه و عملکرد دیوان، حمایت دولت‌های عضو از تصویب هرچه سریع‌تر موافقتنامه میان دیوان و سازمان ملل متحد نموده است.

به‌طور کلی، ارکان اتحادیه اروپا مخصوصاً شورای اروپایی، تلاش کرده است با اتخاذ شیوه‌ای عملی، از تمام ظرفیت‌های سازمانی و نهادی اتحادیه به‌منظور تحقق اهداف دیوان بین‌المللی کیفری برای استقرار عدالت، دموکراسی، صلح و امنیت در جهان استفاده نماید. آرمان‌هایی که جزو لاینفک اصول اتحادیه اروپا می‌باشند. اتحادیه با تصویب اسنادی چون سند موضع مشترک اتحادیه اروپا در رابطه با دیوان بین‌المللی کیفری و همچنین سند برنامه اقدام موضع مشترک در تحقق این رویکرد خود گام‌های قابل‌ملاحظه‌ای برداشته و نقش غیرقابل‌انکاری در پویایی و استواری دیوان ایفاء نموده است؛ بنابراین می‌توان گفت تعامل اتحادیه اروپا منحصر به ماده ۸۷ اساسنامه رم نمی‌شود، بلکه اتحادیه با اتخاذ رویکردی پویا در جهت استواری هرچه بیشتر دیوان، هم از بُعد صلاحیت و هم از بُعد عملکرد، گام برمی‌دارد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

خالقی، علی. «قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا». مجله پژوهشهای حقوقی ۷ (۱۳۸۴): ۲۸-۱۳.

ب. منابع انگلیسی

A Secure Europe in a Better World - The European Security Strategy, Brussels, 12 December 2003.

Action Plan to Follow-Up Common Position on the International Criminal Court Adopted by the European Parliament in July 2003.

Agreement between the International Criminal Court and the European Union on Cooperation and Assistance, 10 April 2006, ICC-PRES/01-01-06.

Antoniadis, Antonis and Olympia Bekou. "The European Union and the International Criminal Court: An Awkward Symbiosis in Interesting Times." *International Criminal Law Review* 7 (2007): 621-655.

Bantekas, Ilias. "The Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law." *European Law Review* 32 (2007): 365-385.

Case 21-24/72 International Fruit Company NV v. Produktschaap voor Groenten en Fruit [1972].

Council Common Position on the International Criminal Court, adopted by the Council of the European Union at 16 June 2003, 2003/444/CFSP.

Council Decision 2002/494/JHA of 13 June 2002 (OJ L 167/1, 26.6.2002).

Council Decision 2003/335/JHA of 8 May 2003 (OJ L 118/12, 14.5.2003) ECR 1219.

EU-ICC Cooperation and Assistance Agreement, 10 April 2006 (OJ L 115 of 28.04.2006).

EU-ICC Implementing Arrangements.

Framework Decision 2002/584 of 13 June 2002 (OJ L 190/1, 18.7.2002).

International Criminal Court. "Situations under Investigation." Accessed September 2, 2016. <https://www.icc-cpi.int/pages/situations.aspx>.

Protocol on the Privileges and Immunities of the European Communities (OJ 167, 13.7.1967).

Report on the Implementation of the European Security Strategy - Providing Security in a Changing World, Brussels, 11 and 12 December 2008.

Ryngaert, Cedric. "Universal Jurisdiction in an ICC Era: A Role to Play for EU Member States with the Support of the European Union." *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice* 14 (2006): 46-80.

Statute of the International Criminal Court.

Vierucci, Luisa. "The European Arrest Warrant: An Additional Tool for Prosecuting ICC Crimes." *Journal of International Criminal Justice* 2 (2004): 275-285.

Wouters, Jan, and Sudeshna Basu. "The Creation of a Global Criminal Justice System: the European Union and the International Criminal Court." *Katholieke Universite Leuven* 26 (2009): 1-30.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. VII, No. 1

2019-1

- **The European Union and International Criminal Court: Institutional Cooperation and Support**
Dr. Seyyed Ghasem Zamani & Dr. Esmaeel Yaghoubi
- **The Scope of Penal Mediation in Various Types of Crimes in Iranian Substantive Law**
Dr. Hossein Gholami & Dr. Badr Soudani Sadery
- **Punishment Mitigation in the Law of Campaign against Trafficking Goods and Currency Passed in 1392**
Ahmad Reza Koocheki & Dr. Shahram Ebrahimi
- **A Criminological Study of the Effective International Factors on Committing Crimes against Humanity**
Dr. Samira Golkhandan
- **The Consequences of Populist Penal Policy in Sexual Crimes against Children and Teenagers**
Dr. Parima Taherishad & Dr. Hooshang Shambayati
- **An Introduction to “Criminal Insurance Law” towards an “Insurance-Oriented Criminal Policy”**
Dr. Mehrdad Rayejian Asli & Naeim Saha'mi
- **Conflict or Interaction of Foreign Criminal Laws with Victim's Rights; in Light of the Principle of Mutual Recognition in EU Criminal Law**
Dr. Javad Salehi
- **Principle of Mutual Recognition of Judgements and Judicial Decisions in European Union Criminal Law with Look at Criminal Judgements and European Arrest Warrant**
Dr. Behzad Razavi Fard & Mohammad Faraji

